روزنامه شرق

عکس: مهر

کودکی گمشده «کودکان کار» در محله «ناصرخسرو»

اعظم پویان

در پیچ‌وخم بازاربزرگ تهران صدای درگلومانده کودکان کار فریاد می‌زند؛ کودکانی که کودکی نکرده، بزرگ شده‌اند. کودکانی که تنها سرمایه‌شان دست‌ها و پاهای نحیف‌شان است و سنگینی بار زندگی را بر جثه‌های کوچک‌شان گذاشته و در دالان‌های «بازاربزرگ» تهران در تقلای ورود به دنیای آدم‌بزرگ‌ها هستند. دست‌هایی که باید توپی را لمس کنند یا در دفتر مشق بنویسند اما اسباب‌بازی این روزهایشان چرخ‌دستی‌های مملو از بار و سهم‌شان از کودکی سواری‌گرفتن از گاری‌دستی است. بی‌دفاع‌ترین فضای شهر برای کودکان، فضای بازار است و محل کسب. کمی پایین‌تر از میدان توپخانه، در کوچه‌پس‌کوچه‌های حوالی بازار بزرگ تهران، چهره‌های معصوم و سیه‌چرده‌ای را می‌بینم که در کنار چرخ‌دستی‌شان ایستاده‌اند یا مشغول آب و جاروی مغازه‌ای هستند. به دنبال نشانی خانه کودک «ناصرخسرو» هستم. هیچ‌کدام‌شان چنین اسمی را نشنیده‌اند، اما همین که می‌گویم مدرسه‌ای است که به کودکان کار آموزش می‌دهند، گوش‌شان تیز می‌شود و سعی می‌کنند نزدیک‌ترین آدرس را بدهند. آرام آرام یکی پس از دیگری کوچه‌های تودرتوی محله ناصرخسرو را طی می‌کنم. ساختمان آجری، در انتهای کوچه‌ای با خانه‌های گلی و تابلویی که نوشته شده «خانه کودک ناصرخسرو». یک‌سوی حیاط، زمین چمن بزرگی است که بچه‌ها در آن مشغول بازی فوتبال هستند و سروصدایشان به کوچه‌های محله رنگ کودکی داده است. خانم موسوی که سال‌ها داوطلبانه، در این محل به کودکان آموزش می‌داده؛ حال خود مدیر خانه کودک است. وی از ماجرای دوستی کودکان افغانستانی و ایرانی محله به واسطه بازی فوتبال برایم می‌گوید؛ از روزهایی که کودکان ایرانی محل در عالم کودکی خود، افغانستانی‌ها را به بازی‌شان راه نمی‌دادند. تنها شرط گرفتن توپ و بازی در زمین چمن خانه کودک این بود که با هم بروند و توپ را از خانم مدیر بگیرند. کم‌کم بازی فوتبال بهانه‌ای شد تا کودکان ایرانی و افغانستانی در کنار هم دوستی مشترکی را تجربه کنند؛ دوستی‌ای که برایشان خاطره‌های مشترک شیرینی را رقم زده است. اما این روزها در یارکشی بازی‌های کودکانه‌شان، دوگانه کودکان کار و کودکان دانش‌آموز رخ می‌دهد. گویی هرکدام دو دنیای متفاوت از کودکی را تجربه می‌کنند و هر کدام مایل به پذیرش دیگری نیست.

کودکانی که رنگ آفتاب ندیده‌اند

مدیر خانه کودک ناصرخسرو برایم از روزهای اول حضور داوطلبانه اعضای خانه کودک در این منطقه می‌گوید. مدت‌ها کار کردند و تلاش کردند تا ساکنان منطقه و مهم‌تر از آن، کارفرماهایی که در بازار و حوالی آن کار می‌کنند حضور خانه کودک را در منطقه بپذیرند. در زیرزمین کارگاه‌های این منطقه کودکانی را پیدا کردند که در هفته فقط یک‌بار رنگ آفتاب را می‌دیدند آن هم صرفا برای خرید نان. یک‌به‌یک کودکان را شناسایی کردند و مدت‌ها با خانواده‌ها و کارفرمایان کودکان کار صحبت کردند. بعضی همراه شدند و برخی تهدید کردند. تلاش برای آموزش این کودکان تا جایی پیش رفت که این روزها بعضی از کارفرماها خود برای گرفتن کارنامه آخر سال کودک کار به خانه کودک مراجعه می‌کنند. آموزش کودکان کار برای کارفرماهای منطقه جا افتاده است و می‌دانند ساعت‌هایی از روز را باید اجازه دهند تا کودکان کار در این مکان آموزش ببینند. از ۳۰۰ پرونده‌ای که در خانه کودک ناصرخسرو وجود دارد، صد پرونده مربوط به کودکان افغانستانی است. بسیاری از این کودکان هنوز هم شب‌ها در محل کارشان می‌خوابند. مدیر خانه کودک معتقد است اگر مکانی قرار است به کودکان کار آموزش دهد باید ساعت‌های شروع و اتمام کارش را با ساعت کار این کودکان تنظیم کنند. وی می‌گوید: «بسیاری از مراکزی که برای آموزش به کودکان کار راه افتاده‌اند، معمولا ساعت ۹ شروع به کار می‌کنند و این دقیقا زمانی است که کودک کار باید سر کارش برود». خانه کودک ناصرخسرو ساعت ۷:۳۰ تا ۹ صبح را مخصوص آموزش به کودکان کار قرار داده است. بعد از این ساعت کودکان ساکن در آن منطقه برای استفاده از کلاس‌ها و آموزش‌های متنوع خانه کودک مراجعه می‌کنند.

توانمندسازی کودکان کار

یکی از پروژه‌های انجمن حمایت از حقوق کودکان، آموزش و گسترش توانمندی‌های کودکانی است که در شرایط دشوار زندگی می‌کنند؛ به‌ویژه کودکانی که در معرض انواع آسیب‌ها و خشونت‌ها قرار گرفته‌اند. خانه کودک ناصرخسرو یکی از برنامه‌هایی است که با این هدف اجرا می‌شود. خانه کودک ناصرخسرو به نیازهای کودکانی که در بخشی از تهران در منطقه ۱۲ (شامل ناصرخسرو، پامنار و محدوده بازار) زندگی می‌کنند، پاسخ می‌دهد. گروه هدف این برنامه کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال است. همچنین همه افرادی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با آنان در ارتباطند، مانند والدین و معلمان کودکان را نیز دربر می‌گیرد. برنامه‌های آموزشی این پروژه در راستای توسعه توانمندی‌های کودکان و آموزش به آنان برای کسب مهارت‌های مورد نیاز در زندگی است. راه‌اندازی کلاس‌های مهدکودک و پیش‌دبستانی، ارائه کلاس‌های آموزشی بهداشت فردی و بهداشت روانی برای کودکان پیش‌دبستانی و دبستانی و برگزاری کلاس‌های حرفه‌آموزی نظیر خیاطی، آرایشگری، کامپیوتر و آموزش زبان ازجمله این برنامه‌هاست. آموزش خانواده برای مادران و برگزاری اردوهای آموزشی-تفریحی برای کودکان نیز در این برنامه‌ها گنجانده شده است.

نقش رسانه‌ها در تسهیل آموزش زبان در کودکان دوزبانه

احمد براهویی‌نژاد
آموزگار منتخب استان سیستان‌وبلوچستان

مقطع ابتدایی به دلیل اثرگذاری در رشد و افزایش انگیزه دانش‌آموزان بسیار بااهمیت است. در این بین پیش‌دبستانی نیز بسیار مهم است. یکی از مشکلات در استان سیستان‌وبلوچستان، همین کمبود مراکز پیش‌دبستانی است. همچنین در مناطق شهری، مسئله اصلی پایین‌بودن کیفیت آموزش در این دوره است. ما شاهد هستیم سازمان‌های دیگری که متولی آموزش در دوره پیش‌دبستانی هستند؛ نظیر بهزیستی، در مناطق حاشیه شهر، آنچنان که بایدوشاید در سطح مطلوبی آموزش نمی‌دهند. یکی دیگر از مشکلات، کمبود فضاهای آموزشی است. این روزها در حالی از حذف کپرها صحبت می‌شود که در زاهدان که مرکز استان است، فضاهای آموزشی بسیار محدود است. بنابراین ما به گسترش فضاهای آموزشی نیاز داریم. کیفیت پیش‌دبستانی، به‌ویژه در مناطق دوزبانه روستایی بسیار مهم است. زیرا زبان مادری آنها با زبان رسمی متفاوت است و فرایند یادگیری برای این کودکان مشکل است. در شهرها دانش‌آموزان دوزبانه ارتباط بیشتری با همسایه‌های فارسی‌زبان دارند. دانش‌آموزان شهری بیشتر در معرض رسانه‌هایی؛ مانند تلویزیون و رادیو هستند، ولی در بسیاری از روستاها این امکانات وجود ندارد. صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران برخی از روستاهای این استان را مورد پوشش رسانه‌ای قرار نمی‌دهد. در استان سیستان‌وبلوچستان ۵۱ درصد از جمعیت استان، ساکن روستاها هستند. در این روستاها مهاجرت معکوس از شهر به روستا وجود دارد. با ارائه خدمات آموزشی و رفاهی بهتر و بیشتر قطعا ماندگاری در روستاهای این استان بیشتر می‌شود.

حلقه اتصال بازار پول و بازار سرمایه
شرکت کارگزاری بانک کشاورزی

سه‌شنبه‌های رویش

فرصتی برای فکرکردن به تحقق مسئولیت‌های اجتماعی

شرکت کارگزاری بانک کشاورزی با همکاری مؤسسه مطالعاتی «حامیان فردا» و کانون نهادهای سرمایه‌گذاری ایران در نظر دارد با برگزاری نشست‌های ماهانه، به ترویج نگرشی مسئولانه نسبت به کسب‌وکار شرکت‌ها و مؤسسه‌ها بپردازد. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (CSR)، به درک تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی کسب‌وکارها بر جامعه و اعضای آن کمک می‌کند.

سال‌ها اهمیت کسب‌وکارها به سودآوری آنها بود و مسئولیت‌شان صرفا راضی نگه‌داشتن سهام‌داران بود. بعد از مدتی اثرات منفی‌ای که کسب‌وکارها در جامعه و محیط زیست داشتند، منجر به ترویج این نگاه شد که اگر کسب‌وکارها بخواهند بقا پیدا کنند، نمی‌توانند نسبت به اجتماع بی‌تفاوت باشند و همین باعث شد این گفتمان قالب شود که کسب‌وکارها باید از اثرات منفی پیشگیری کنند.

با گذشت زمان صاحبان کسب‌وکار متوجه شدند رابطه بین کسب‌وکار و جامعه فقط رابطه کاهش اثرات منفی نیست، بلکه یک نسبت دوسویه دارد که اگر کسب‌وکار رشد کند، جامعه منتفع می‌شود و برعکس؛ اگر جامعه رشد کند کسب‌وکار هم از آن منتفع می‌شود. بعد از آن کسب‌وکارها به این سمت رفتند که اثرگذاری مثبت داشته باشند.

نهال کسب‌وکارهای ایرانی اگر بخواهد رشد کند باید نفع‌رساندن به جامعه در درون همان کسب‌وکار گنجانده شود و این همان دغدغه‌ای است که سلسله‌نشست‌های «سه‌شنبه‌های رویش» دنبال می‌کند. اولین سمینار از سلسله‌سمینارهای ماهانه «سه‌شنبه‌های رویش» با مشارکت مؤسسه مطالعاتی «حامیان فردا» شرکت کارگزاری بانک کشاورزی و کانون نهادهای سرمایه‌گذاری ایران، سه‌شنبه، ۳۱ مرداد در شرکت کارگزاری بانک کشاورزی برگزار شد.

محمد قائم‌پناه، بنیان‌گذار کسب‌وکار «کشمون»، در این نشست از ایده اولیه‌اش برای راه‌اندازی این کسب‌وکار سخن گفت. کشمون عنوان سایتی است که برای آشناشدن و خرید بی‌واسطه زعفران از کشاورزها راه‌اندازی شده است. محمد قائم‌پناه، از اولین ارائه‌کننده‌های خدمات اینترنت (ISP) در قائن در خراسان جنوبی است و قبل از تحریم‌ها زعفران صادر می‌کرد.

یک پلتفرمی راه انداخته که کمک می‌کند کشاورزهایی که در خراسان جنوبی به روش‌های سالم و پایدار کشت و کار می‌کنند، محصول‌شان را به ساکنان تهران و سایر شهرهای بزرگ بفروشند. در این سیستم، کشاورزها نفع مالی بیشتری می‌برند و این اطمینان ایجاد شده که محصول، سالم و با کیفیت بالا به دست مشتریان می‌رسد. «کشمون» مهرماه ۹۵ در رویداد رقابت استارتاپ‌ها (Know-Tech) که در دانشگاه شریف برگزار شد، جزء ۱۰ استارتاپ اول انتخاب شد و همچنین در رویداد ای‌بریج که متعلق به کارآفرینان از تبار ایرانی بود و در بارسلونای اسپانیا برگزار شد، جزء پنج تیم اول انتخاب شد.

در این نشست از تجربه موفق یکی از سازمان‌های مردم‌نهاد نیز سخن گفته شد. رضا درمان، مدیرعامل انجمن جامعه یاوری فرهنگی، در این نشست از تجربه موفق سازمانش در حمایت از دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل و بازگرداندن آنها به کلاس و مدرسه سخن گفت. هریک از سلسله‌سمینارهای «سه‌شنبه‌های رویش» در آخرین سه‌شنبه هر ماه برگزار خواهد شد و در آن به مرور تجربه یک سازمان مردم‌نهاد موفق و یک کسب‌وکار اجتماعی موفق پرداخته می‌شود.

تاک

هر هفته در این ستون نوشته‌هایی درباره تربیت در اوان کودکی (تاک) منتشر می‌شود. هدف این است که آرام‌آرام در کشور از مرحله ذکر اهمیت توجه به این دوره مهم زندگی عبور کنیم و وارد مرحله اقدام و عمل درست شویم. این اقدام، هم ناظر بر چرخش‌های نگرشی و عملی والدین و مربیان و هم ناظر بر سیاست‌گذاری کشور برای این دوره است.

رفتارهای پرخاشگرانه در کودکان پیش‌دبستانی

سمانه ذوالفقار

مشاجره بین کودکان هم‌سن، جیغ‌زدن، پرتاب اسباب‌بازی‌ها و ... رفتارهایی هستند که والدین کودکان پیش از دبستان بسیار با آنها مواجه می‌شوند. اغلب این رفتارها، عادی بوده و کودک در دوره‌ای از رشد خود آنها را برای واکنش به مسائل مختلف به کار می‌برد. آگاهی از مراحل و حوزه‌های رشدی کودک به والدین و مربیان کمک می‌کند که واکنش‌های مناسبی در مقابل کودکان خود داشته باشند. سرعت تغییرات رشدی در سنین بین دو تا پنج‌سالگی زیاد و میزان این سرعت در کودکان مختلف، متفاوت است. در این دوره، کودکان تلاش می‌کنند که مستقل باشند. بنابراین والدین واژه «نه» را از کودک خود زیاد می‌شنوند. گاهی اوقات آنها می‌خواهند کارهایی انجام دهند که توانایی کافی برای به‌انجام‌رساندن آنها را ندارند.

به این علت که مهارت‌های زبانی آنها به حد کافی رشد نکرده است، ناچار به رفتارهایی روی می‌آورند که ممکن است والدین آنها را پرخاشگرانه یا غیرعادی و نگران‌کننده تلقی کنند. درواقع کودکان گاهی برای اینکه منظور خود را برسانند، دست به حرکاتی می‌زنند؛ برای مثال، چون نمی‌توانند به‌راحتی صحبت کنند از رفتارها و حرکاتی مانند جیغ‌زدن، ضربه‌زدن، پرتاب‌کردن اسباب‌بازی و... استفاده می‌کنند. تعداد دفعات این رفتارها در پسران بیشتر از دختران مشاهده می‌شود، زیرا رشد مهارت کلامی در پسران دیرتر از دختران اتفاق می‌افتد. هنگام مشاهده این موارد، ممکن است رفتار خود والد تغییر کرده و عصبانی و آشفته شود. نکته مهم در این مسئله این است که شما به‌عنوان والد باید آرام بوده و رفتاری هوشمندانه داشته باشید. سعی کنید زمان‌هایی را که ممکن است این رفتارها از کودکتان سر بزند پیش‌بینی کنید و واکنش‌های مناسب از خود بروز دهید. کودکان به رفتار گرم و حمایتی از طرف والدین خود نیاز دارند. باید صبور باشید تا این دوره نیز به‌خوبی بگذرد و کودک در مهارت‌هایی مانند خودتنظیمی به رشد کافی برسد تا بتواند در مواقع گوناگون واکنش‌های درست از خود نشان دهد. گاهی رفتارهای پرخاشگرانه کودک علت خاصی دارد و با برطرف‌کردن آن، کودک به آرامش خواهد رسید. ممکن است کودک از مسئله‌ای نگران باشد.

در این موارد به عقب برگردید و به یاد بیاورید که چنددقیقه قبل یا حتی چندروز پیش چه اتفاقی برای کودک افتاده و از چه چیز رنجور است. برای اینکه کودک بتواند با شما همراهی کرده باید شرایط او را در نظر بگیرید؛ به‌عنوان‌مثال اگر می‌خواهید برای انجام کاری او را همراه خود بیرون ببرید، اطمینان داشته باشید که کودک شما گرسنه یا خسته نیست. اگر رفتارهای پرخاشگرانه شدید و طولانی است، از یک متخصص روان‌شناسی و مشاوره کودک راهنمایی بگیرید.

*پژوهشگر مؤسسه «مطالعات کودکی مدرس»

یادداشت

آموزش حق همه کودکان است

احمد صافی
مشاور شورای‌عالی آموزش‌وپرورش

تربیت عبارت است از رشد ابعاد وجود انسان. تربیت مراقبت از جریان رشد است و نه دخالت در جریان رشد. دانش‌آموزان این مرزوبوم ایرانی باشند یا افغانستانی یا هندی، بالاخره کودک هستند. حق بهره‌برداری از موهبت تربیت را دارند. یک انسان تحرک در نگرش و بینشش باید اتفاق بیفتد و همین بحث را بسیاری از کارشناسان این حوزه قبول دارند. برخوردار از تعلیم و تربیت در تمام مراحل دوران کودکی حق همه انسان‌هاست. به‌همین‌دلیل همه بر این باورند آموزش حق حیات است پس مرزی وجود ندارد و جنسیت در آن معنا پیدا نمی‌کند. رنگ و طبقه‌ای وجود ندارد. حق حیات یعنی همه حق دارند نفس بکشند و حق دادنی است و نه گرفتنی. نکته بسیار مهم‌تر اینکه آموزش‌وپرورش باید تا آخرین لحظه حیات ادامه پیدا کند. درواقع آموزش‌وپرورش یک سرمایه‌گذاری بلندمدت است که در تمام حیات انسان جاری است. مهم این است که آموزش‌وپرورش با زیست انسان پیوند خورده است و هرچه زندگی پیچیده‌تر می‌شود ضرورت آموزش‌وپرورش افزایش می‌یابد. آموزش‌وپرورش امری وقت‌گیر است. به‌سادگی کلمه عدالت را استفاده می‌کنیم. چه کسی مدعی است من قادر هستم بر تفاوت‌های فردی یک انسان مسلط شوم و همین‌طور عدالت. مساوات با عدالت تفاوت دارد. مساوات آسان است و عدالت سخت است. عدالت در استعدادشناسی و کشف استعداد است. پرورش استعداد و سنجش آن و هدایت استعداد در هستی عدالت است. این کودک افغانستانی را می‌توان فردوسی و حافظ تربیت کرد. کلاس‌های افغانستانی‌ها را در پاکستان دیده‌ام، در کنار کودکان پاکستانی سایر مهاجران هم تحصیل می‌کنند. فرهنگ میان ما و کشور افغانستان اشتراکات بسیاری دارد. ابتدا باید پیش‌دبستانی را دریافت. کودکانی که زبان متفاوت دارند ابتدا باید آمادگی پیدا کنند. همه انسان‌ها محترمند. دوم اینکه تعلیمات اجباری برای همه باید وجود داشته باشد. در همین ارتباط پیشنهاد می‌کنم ابتدا باید نگاهی به سیستم بیندازیم. هیچ سازمانی تنها نمی‌تواند مدعی توجه جدی به این سرمایه انسانی در ابعاد مختلف باشد. انسان در محیط تربیت می‌شود که یکی از این محیط‌ها مدرسه است. پس باید مدرسه را دریافت. هر کودکی را می‌خواهید رشد دهید باید دستش را قوی کنید؛ یعنی تحصیل در کنار کار و مهارت تعریف شود. در نگاه سیستمی همه باید کمک کنند. دوم اینکه همه می‌گویند برنامه و بودجه؛ درحالی‌که مدیریت درواقع برنامه‌ریزی و سازماندهی و ارزشیابی و بودجه و بسیاری از عوامل دیگر در کنار هم است. تا طرح و برنامه نداشته باشید نه‌فقط کودک افغانستانی، بلکه کودک ایرانی را هم نمی‌توانیم آموزش دهیم. سوم اینکه از اختیاراتی که وجود دارد، استفاده کنیم. ازجمله اختیار شورای‌عالی آموزش‌وپرورش باید در این زمینه استفاده کرد و بعد از آن از شوراهای عالی استان‌ها استفاده کرد برای سازماندهی بهتر این مسئله. آگاهی به قوانین یعنی استفاده از فرصت، پس از اختیارات این افراد باید استفاده کرد. چهارمین مسئله استفاده از بازنشستگان آموزش‌وپرورش است. ۵۲ درصد بازنشستگان کشور در وزارت آموزش‌وپرورش هستند. زمان و فکر دارند و آموزش‌وپرورش می‌دانند. پس از این افراد برای انسداد بی‌سوادی و تقویت دوره ابتدایی می‌توان استفاده کرد. از خدمات مشاوره‌ای این قشر می‌توان برای رسیدن به حق تحصیل کودکان استفاده کرد.

نگاه

سنجش لازمه پیش‌دبستانی باکیفیت

علی عسگری
مدیر مطالعه طولی کودکی در ایران

عدالت آموزشی، بدون سنجش درست همه مؤلفه‌هایی که در آن نقش دارند رخ نمی‌دهد. ورای بحث‌های مربوط به هزینه‌ها، ساختارها، برنامه‌ها و هدف‌گذاری دوره پیش‌دبستانی باکیفیت، بدون معیارها و ملاک‌های رسیدن به کیفیت مدنظر نمی‌توان قدم درستی برداشت. می‌توان گفت واقعی‌ترین بحث و تماس همین سنجش است که نمونه آن مطالعه طولی کودکی در ایران محسوب می‌شود. اهمیت مطالعه طولی در آن است که در میان انواع پژوهش‌ها، تنها این شکل پژوهش است که بر مبنای سنجش انجام می‌شود. این شکل مطالعه نه مداخله می‌کند، نه توصیه‌ای دارد و نه برنامه‌ای می‌دهد. تنها به سنجش در طول فرایندی که طی شده نگاه می‌کند. بنابراین این بررسی طولی می‌تواند منتج به بررسی رشد طولی‌ای که رخ داده شود. دوره پیش‌دبستانی یکی از فقیرترین دوره‌های آموزشی در ابزارها و سنجش است. برای رسیدن به پیش‌دبستانی باکیفیت در مناطق دوزبانه، شناخت و توجه به فرهنگ آن منطقه باید همراه با سنجش رشد شناختی و مهارت‌های اجتماعی انجام شود؛ برای مثال با مطالعه طولی دو استان؛ مانند تهران و تبریز می‌توان به تفاوت رشدهای روانی، شناختی، زبانی و غیرشناختی کودکان رسید. این نتایج سنجش‌هاست که باید در اختیار تعیین‌کنندگان و سیاست‌گذاران باشد. در غیر این صورت سیاست‌گذاری بر مبنا و موضع درستی صورت نگرفته است. حتی با نتایج این سنجش‌هاست که می‌توان در باورهای رایج شک کرد. تصور بر این است که رشد زبانی کودکان تبریزی از تهران عقب‌تر است، اما با توجه به آمارهای سنجش می‌بینیم که چنین نیست. بنابراین تمامی برنامه‌هایی که بدون توجه به این سنجش‌هاست به هدف مدنظر نخواهد رسید. در کشور ما برای نخستین‌بار آزمون استنفورد بینه در حال استانداردشدن، اعتباریافتن و روایی‌سازی است. مسئله این است که آزمون سنجشی که در ساختار زبانی دیگری نوشته شده، چگونه در این مناطق انجام شود که افراد قابل مقایسه باشند. طبیعتا هرگونه برنامه‌ریزی باید با این سنجش که در آن افراد قابل‌مقایسه‌اند شکل بگیرد.